

پانزدهم بهمن امسال مصادف است با سیزدهم جمادی الاول، روز وفات صدیقه کبری، سرور زنان جهان، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها. و بهمین مناسبت، روا است گفتاری هر چند کوتاه و ناقص درباره مقام زن در اسلام داشته باشیم؛ زیرا توان بحث، پیرامون شخصیتی که حضرت رسول «ص» او را «أُمُّ آيَاتِهَا» می نامد یا «فِدَاهَا أَبُوتُهَا» درباره او می فرماید، برای ما امکان پذیر نیست.

وانگهی باید دید حضرت زهرا «س» چگونه به آن مقام والا دست یافت؟

البته جای هیچ شکلی نیست، که حضرت زهرا شخصیتی است استثنائی که خدا آن حضرت را از هر رجسی بدور نگه داشته و مصداق بارز «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» می باشد. ولی آنچه مسلم است، اینکه حضرت زهرا شایستگی و لیاقت آن مقام والا را دارد که طاهره، مطهره، معصومه و منزّه از هر گناه و معصیت کوچک و بزرگ باشد، و با اعمال خود به این مقام دست یافته است: «وَأَنَّ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»

بنا بر این، گرچه هیچ زنی به آن مقام والا نخواهد رسید، همانگونه که هیچ مردی به مقام شامخ امامان معصوم نخواهد رسید ولی مردان با پیروی از آن الگوهای بزرگ انسانیت و زنان با پیروی از آن نمونه تقوی و الگوی اخلاق و فضیلت انسانی می توانند در راه آن بزرگواران گام برداشته و خود را سزاوار پیرو و شیعه آنان بدانند. حضرت امیر «ع» پس از آنکه خود را معرفی می کند، می فرماید: «أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَيَّ ذَلِكَ وَلَكِنْ أَعْيُنِي بِرُوحِ وَاجْتِهَادٍ وَمَقْفُودٍ سَدَادٍ.»

و شما بر چنین رفتاری - که من دارم - توانائی ندارید ولی با پارسائی، کوشش، عفت و محکم کاری مرا یاری دهید.

در هر صورت، آنچه از احترام و تجلیل فوق العاده ای که پیامبر اکرم «ص» نسبت به حضرت زهرا «س» روا داشتند، می توان فهمید، که نه تنها چون زهرا دختر پیامبر خدا و همسر و کفو علی و مادر دو گل خوشبوی پیامبر بود، دارای چنان مقامی شده بلکه چون در خداشناسی، عبادت، پارسائی، پاکدامنی، تقوی، و همسررداری در والا ترین مرتبت قرار داشت و در تمام فضائل و کمالات انسانی، نمونه و الگو بود، پیامبر هم متقابلاً او را آنقدر دوست داشت که می فرمود: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي مَن آذَاهَا

فَقَدَّ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدَّ آذَى اللَّهِ» فاطمه پاره تن من است، هر کس به او آزاری رساند به من رسانده و هر که به من آزاری رساند، خدا را آزرده است.

یا آنکه می فرماید: «يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ يَرْضِي لِرِضَاكِ» ای فاطمه! خداوند به رضای تو رضای می شود.

و تا آنجا به او احترام می گذارد که از عایشه نقل شده که گفت: هنگامی که فاطمه (س) بر پیامبر خدا «ص» وارد می شد، پیامبر از جای برمی خاست و سر فاطمه را می بوسید و او را جای خود می نشاند.

نافع بن ابی حمراء گوید: هشت ماه شاهد بودم که هر گاه حضرت رسول «ص» برای نماز ظهر از منزل خارج می شد به در خانه فاطمه که می رسید، می فرمود: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. درود بر شما اهل بیت، و رحمت و برکات خداوندی بر شما باد. هان وقت نماز است. «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً.»

خدا چنین می خواهد که رجس را از شما اهل بیت دور نگهدارد و شما را از هر عیب و نقصی پاک و منزّه گرداند.

و از این روایتها در فضائل حضرت زهرا آنقدر زیاد است که نیاز به کتابی مستقل دارد و بحمدالله در این زمینه کتابها نوشته شده است. اما اکنون ما می خواهیم به برکت وجود آن حضرت، قدری درباره مقام زن در اسلام بنویسیم. گرچه این رشته سر دراز دارد ولی به امید اینکه، همین مختصر نیز مفید افتد پس با استفاده از چند آیه، آن را دنبال می کنیم.

زن قبل از اسلام

زن در دورانهای قدیم، از هیچ ارزش اجتماعی برخوردار نبود. در زمانی که فارس و روم به عنوان دو امپراطوری متمدن! بر جهان حکم می راندند، زنان به عنوان کالاهای تجارتي خرید و فروش می شدند و نه تنها همچون بردگان با آنها رفتار می کردند، که در صورت تخلف از فرمانهای مردانه!! به مرگ محکوم می شدند.

آنچه در تاریخ از آن دورانها و دورانهای ماقبل تاریخ نیز می خوانیم، زن از هیچ مکانت اجتماعی برخوردار نبوده و با اینکه سخت ترین کارها بلکه می توان گفت: تمام کارهای داخل و خارج منزل بر عهده او بوده، بجای تقدیر و تشکر، سرزنش و

توبیخ می شده است. شگفتا! زنی که آنقدر در اسلام مورد احترام و تقدیر هست که آن شخص از حضرت رسول می پرسد: به پدرم بیشتر نیکی و احسان کنم یا مادرم؟
- مادرت

- پس از او به چه کسی؟
- مادرت.

- پس از او کی؟
- مادرت

- آنگاه به چه کسی احسان کنم؟
- پدرت

سه بار پی در پی حضرت رسول سفارش مادر را می کند، آنگاه پدر را. چنین زنی که حضرت می فرماید: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ» بهشت زیر پای مادران است.

کار بجائی رسید که در زمان جاهلیت، و قبل از اسلام، اگر کسی را مرزده می دادند که دارای فرزند شده ای، نخست می پرسید: پسر است یا دختر؟ اگر پسر بود خوشحال می شد و اگر می شنید دختر است، از فرط خجالت و شرمساری از دیگران دوری می جست که نکنند او را سرزنش کنند! و گاهی هم بقدری تأثر او- در اثر وضعیت خشن و غیر انسانی محیط- زیاد می شد، که با دستان خود، پاره تنش را زنده به گور می کرد!

«وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ؛
بِتَوَارِي مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَبِهِ أَيُنسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ؛ أَلْأَسَاءُ مَا يَحْكُمُونَ.» (سوره نمل- آیه ۵۶)

و چون یکی از آنها به فرزند دختری بشارت داده می شد، همچنان سیه روی شده و سخت دلشنگ می شد. و از این بشارت بد خود را همواره از قوم خود پنهان می داشت و به ایسن می اندیشید که آیا آن دختر را با ذلت و خواری نگهدارد و یا اینکه او را زنده به خاک، گور کند. هان! چه بد عمل می کنند.

این آیه نشانگر این است، که زن در آن دوران سیاه، در نهایت ذلت و بیچارگی بود و از برده ای هم کمتر بود! چرا که در خریدن برده، کسی خود را شرمسار نمی دید ولی اگر خداوند به او دختری مرحمت می فرمود، آنچنان از آن عطای خداوندی دلشنگ و خشمگین می شد که یا با ذلت و سرافکنندگی او را زنده نگه میداشت و یا با کمال سنگدلی و بی رحمی او را زنده به گور می سپرد.

دریغ از این فکر غیر انسانی!

آوخ از این اندیشه باطل!

کار انسان بجائی برسد که دختری که در آینده می تواند شریک زندگی و بهترین غمخوار مرد شود چون برده ای پندارد یا اینکه او را قبل از رسیدن به دوران تشکیل خانواده، چون از

جنس مؤنث است، در همان کودکی به کشتن دهد.

«وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر- آیه ۹)

و آن روز که دختران (بی گناه) زنده بگور شده را بپرستند، که به چه بجرم و گناهی کشته شدند!؟

زن در اجتماع غریبها

شاید برخی فکر کنند، اگر زن در آن اجتماعهای منحط، از چنان وضعیت بدی برخوردار بود، لااقل در دوران طلانی کنونی بالا ترین ارج را دارد؛ پاسخ می دهیم: خیر! متأسفانه در مجتمعهای غیر اسلامی دوران تمدن امروز نیز، زن را به عنوان یک کالا می نگرند و تنها اسلام است که برای زن بالاترین مقام را حائز است و او را از نظر حقوقی و مسائل معنوی، همسان مرد قرار داده است و تنها در یکی دو مورد است که چون ساخت عاطفی زن، از عهده آنها بر نمی آید، منحصرأ در اختیار مرد قرار داده و گرنه در سایر مسائل هیچ امتیازی مردان بر زنان ندارند.

و اما غریبها!

این چه ارجی است که آنها برای زن قائلند که او را برای تبلیغات کالاهائی بی ارزش همچون شکلات یا لاستیک چرخ کاندید می کنند؟

زن کدام ارزش را در مجتمعهای آنها دارد که همچون دستمال دست، از دستی بدستی می گردد و تنها برای ارضای شهوتهای ناروای آن مردان دیوصفت، هر روز رنگ و مُد عوض می کشد و هر چه نگاران بیشتر شوند ارزش مادی او بالاتر می رود!

این چه ارزشی است که زن بجای اینکه برای همسرش آرایش کند، در اثر تبلیغات پلید آنها، در خانه همواره با اعصابی ناآرام می گذرانند و آرایش را به خیابان می برد، انگار که یک دُکّه و مایلی آرایش سیار است!

متأسفانه در جامعه های غریبی بقدری زن بی اعتبار شده است که «مانکن» شدن یا برای بیگانگان رقصیدن و یا ستاره سینما شدن، او را افتخار است و تا این ستاره رو به افول نهاد، پشیزی ارزش نخواهد داشت.

ولی اسلام اینچنین نیست.

اسلام هیچگاه برای آرایش های ظاهری و زیبائی زودگذر ارزش قائل نیست، زیرا اسلام، زن را به عنوان یک کالا نمی پذیرد.

زن یک انسان است که اگر به صفات برجسته الهی مزین شد و ایمان و کارهای شایسته او را آراست، بقدری مقام پیدا می کند که خدا او را به عنوان الگویی شایسته، معرفی می کند:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. وَفَرَزِمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَوَاتِينِ» (سوره ممتحنه آیه ۱۱، ۱۲)

و خداوند برای مؤمنان، همسر فرعون (آسیه) را مثل آورد، آنگاه که گفت: پروردگارا! (من از این کاسخهای دنیوی بی ارزش بی زارم) برای من خانه ای در بهشت، نزد خود بساز و مرا از فرعون و کارهایش برهان و از این قوم ستمگر رهائی بخش. و همچنین مریم دختر عمران که دامنش پاک داشت، آنگاه در آن روح قدسی خویش را بدیدیم و او کلمات پروردگار خود و کتاب های آسمانی او را باور کرد (و به آنها ایمان آورد) و از اطاعت کنندگان بود.

دقت کنید، خداوند برای مؤمنان چنین الگویی معرفی می کند، برای تمام مؤمنان نه تنها برای زنان با ایمان. و از آن پس برای آنها که از زیورها و آرایش های ظاهری چشم پوشیدند و قرب خدا را خواستند، بالاترین ارزش قائل است.

ولی اگر زن راه انحرافی را پیش گرفت، باز هم فرقی با مردان ندارد، همانگونه که مردان بی ایمان و مشرک را جایگاهی جز جهنم نیست، زنان نیز اگر از هوای نفس و شیطان پیروی کنند به چنان سرنوشت بدی دچار خواهند شد.

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوْحٍ وَامْرَأَتِ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَتَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يَغْنَبْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» (سوره ممتحنه، آیه ۱۰)

خدا برای کافران مثال آورد، زن نوح و زن لوط را که تحت فرمان دو بنده شایسته ما بودند ولی به آنها خیانت کردند، و آن دو بنده ما نتوانستند آنها را از خشم و قهر خدا برهانند و به آنها گفته شد: شما هم همراه دیگر دوزخیان به دوزخ بروید.

آری! زن در اسلام همانند مرد پاینده اعمال خویش است، اگر خوب عمل کرد به بهشت برین و اگر بد عمل کرد به دوزخ، و چه سرنوشت بدی است دوزخ.

«إِنِّي لَأُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذِكْرِ أَوَاتِنِي بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» (آل عمران، ۱۶۵)

من عمل هیچیک از شما مرد و زن را بی مزد نمی گذارم (چه آنکه همه در نظر خدا یکسانند) بعضی مردم بر بعضی دیگر برتری دارند. و این برتری که برخی نسبت به برخی دیگر دارند، تنها در تقوی دیده می شود و لاغیر. در اسلام میزان برتری تقوی و علم و عمل است نه جنس انسان. هیچ مردی بر مردی دیگری یا بر زنی و همچنین بالعکس برتری و امتیاز ندارد مگر با تقوی. تنها تقوی است که انسان را چه مرد و چه زن بر دیگران برتری می دهد.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذِكْرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا

وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ».

ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه قبیله ها و فرقه های بسیار گردانیدیم تا یکدیگر را بتوانید بشناسید (ولی آگاه باشید) عزیزترین و گرمی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. اقوام و قبیله ها و حتی تغییر جنس ها فقط برای مشخص شدن و شناخت ظاهری است و گر نه تقوی، مایاک برتری است و بس.

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرًا حَسَنًا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، آیه ۹۷)

هر کس از شما چه مرد باشد و چه زن، که عمل صالح کند و با ایمان باشد، او را حیات نیکو و جاودان می دهیم و همانا آنان را بهتر از آنچه می کردند، پاداش خوب خواهیم داد.

«وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ، فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» (مؤمن، آیه ۱۰)

و آنانکه کار نیکو کنند و ایمان داشته باشند چه مرد باشند و چه زن، آنان روانه بهشت برین خواهند شد و در آنجا بی حساب از رزقهای بی پایان الهی برخوردار خواهند شد.

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يظْلَمُونَ شَيْئًا» (نساء، آیه ۱۲۴)

و هر که از زن و مرد کاری شایسته کند، در حالی که به خدا ایمان دارد، آنان روانه بهشت خواهند شد و به اندازه پرده هست خورمانی به آنها ستم نخواهد شد.

در هر صورت، از نظر اسلام ثابت است که مردان بر زنان امتیازی ندارند مگر در برخی امور که استثنا شده است و امیدواریم در آینده بتوانیم آن موارد را مورد بررسی قرار دهیم که معلوم شود، آن نه تنها امتیاز نیست بلکه باری است سنگین تر که بردوش مردان گذاشته شده و ساخت عاطفی و روانی زنان تحمل آن بار سنگین را ندارد، و گر نه زن حقوقی دارد همانند مرد و همانگونه که بر زن وظیفه هایی نسبت به همسر وارد است بر مرد هم وظیفه هایی است نسبت به زن «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» به امید آنکه خداوند توفیقی دهد و این بحث را با توضیحی بیشتر به عرض خوانندگان عزیز برسانیم.

۱- لازم به تذکر است که این آیه درباره مؤثده یعنی دختران زنده بگور شده دوران جاهلیت آمده است، و هیچ معنی ندارد که آن را درباره شهیدان عالی مقام به کار ببرند! گذشته از اینکه خطاب در مورد دختران زنده به گور شده است، «تاه» تائیت نیز بروشنی در آیه دیده می شود، و ظاهراً هیچ معنی ندارد که کسانی این آیه را زیرعکس شهیدانی همچون شهید بهشتی، یا شهید رجائی و یا شهید باهنر بنویسند. و از آن بدتر اگر این آیه زیر تمبری که عکس شهیدان رجائی و باهنر دارد و در سراسر دنیا پخش می شود، نوشته شود که در اینجا «مثی» هستند و مورد آیه مفرد است و انگهی «مذکر» هستند و آیه در مورد «مؤث» است. به امید اینکه برادران و خواهران، در استفاده از آیات قرآنی و احادیث معصومین «ع» نهایت دقت را به کار برند و هیچگاه بدون مراجعه به تفسیر و آگاهان به قرآن، خودسرانه آیه ای را در موردی نابجا ننویسند.